

بررسی مضامین و فنون نگارش
یومیّات الحزن العادی اثر محمود درویش

دکتر اکرم روشنفکر (استادیار دانشگاه گیلان)

Akram Roshanfekar (Assistant Professor of Gilan university)

رشت - دانشگاه گیلان - دانشکده ادبیات و علوم انسانی - گروه زبان و ادبیات عرب

Saneh210@yahoo.com

شماره تماس 09123780693

نمابر 01316690577

چکیده

امروزه نگارش شرح حال با پیشرفت‌هایی همراه گردیده و در پی نگارش شرح حال ادیب به قلم خود او، فنی جدید در ادبیات پدید آمده که خودنگاشت نام دارد. خودنگاشت‌ها اغلب از سایر فنون نگارش شرح حال بهره‌مندند و نویسندگان برای ایفاد مقصود از انواع نگارش اعم از تاریخ‌نگاری، روزشماری، خاطره‌پردازی، گزارش‌نویسی، داستان‌پردازی، سفرنامه‌نویسی سود جسته و از فنونی مانند گفتگو و توصیف استفاده می‌کند تا خواننده را در جریان رویدادهای زندگی‌اش چنان‌که رخ داده، قرار دهد. این پژوهش «یومیّات الحزن العادی» اثر محمود درویش را برای بررسی مضامین و فنون خودنگاشت برگزیده است. روش کار توصیفی-تحلیلی بوده و مهم‌ترین نتیجه پژوهش حاضر کاربرد 7 فن مختلف نگارش در «یومیّات الحزن العادی» است که نویسنده از آنها بهره‌مند شده و با توجه به توسعه کلام در شرح رویدادهای زندگی‌اش خودنگاشتی اجتماعی-سیاسی برجای نهاده است.

کلیدواژه‌ها: خودنگاشت، یومیّات الحزن العادی، محمود درویش

Abstract

Nowadays writing of biographies has been accompanied by progress and by writing the literary biographies by himself, a new technical literature has emerged that it's known as autographs. Autographs often use the techniques of writing the biographies and writer for proposing the purpose take advantages from a variety of writing such as historiography, diary writing, reminiscence, report writing, story writing, travel writing and uses techniques like the dialogue and descriptions to let the reader knows events of his life as they occurred. This study has chosen "Yawmiyyat al-hozn al-'aadi" by Mahmoud Darwish to review content and techniques of autographs. Method of this research is descriptive - analytic and the most important result of this study is using 7 different writing techniques in "Yawmiyyat al-hozn al-'aadi" that the author benefit from them and due to the development of words in describing events of his life, he has written a socio-political autographs.

Keywords: autographs, Yawmiyyat al-hozn al-'aadi, Mahmoud Darwish

1-مقدمه

شرح زندگانی ادیب به قلم خویش نوعی از آثار ادبی است که ادیبان و اهل علم و هنر بدان توجه نموده و متنی پدید آورده‌اند که «خودنگاشت» نامیده شده است. (شمیسا، 1375: 259) «خودنگاشت» معادل «Auto Biography» در انگلیسی است و در زبان عربی «السيره الذاتیه» و یا «الترجمه الذاتیه» را معادل «خودنگاشت» به کار می‌برند. آن گونه‌ای از زندگی‌نامه و شاخه‌ای از متن نگارشی است و دربردارنده تاریخ و یا دوره‌ای از زندگی شخص به قلم خود اوست. (عبدالنور، 1979: 143)

«خودنگاشت» که نوعی شرح حال و ذکر خاطرات و یادداشت‌های روزانه، نامه‌ها و رویدادهاست، اغلب از حوادث مهم و قابل توجه زندگی گذشته نویسنده صحبت می‌کند و معمولاً دوره‌ای طولانی را از زندگی‌اش در برمی‌گیرد. (رستگار فسایی، 1380: 284)

1-1- بیان مسئله

از آنجاکه خودنگاشت‌های عربی با قدمتی دیرپا پیشرفت‌های فراوانی کرده و امروزه حائز ویژگی‌هایی شایان توجه گشته‌اند، از همین رو پرسش پژوهش حاضر در مورد مضامین موردتوجه محمود درویش و چگونگی بهره‌مندی‌اش از فنون شرح حال نویسی در «یومیّات الحزن العادی» مطرح می‌گردد.

1-2- پیشینه تحقیق

در بیان پیشینه پژوهش می‌توان از «فن السیره» اثر احسان عباس یاد کرد که در 1956 چاپ شد و نویسنده در آن به اختصار از پیشرفت خودنگاشت یاد کرده است. ماهر حسن فهمی نیز در «السيره- تاریخ و فن» که 1970 انتشار یافت، به خودنگاشت پرداخته است. اثر ابراهیم عبدالدايم با عنوان «الترجمه الذاتیه فی الادب العربی الحدیث» و کتاب عبدالعزیز شرف با عنوان «ادب السیره الذاتیه» دو اثر برجسته دهه 90 به شمار می‌آیند. قرن 21 نیز از توشه‌ی پژوهش در خودنگاشت تهی نمانده و عبدالقادر الشاوی ناقد ادبیات مغرب در اثرش با عنوان «الکتابه و الوجود» که در سال 2000 به چاپ رسید، به این فن پرداخته و تهانی عبدالفتاح

شاکر نیز در «السیره الذاتیّه فی الادب العربی» که در 2002 منتشر شد، با رویکرد به آثار فدوی طوقان و جبرا ابراهیم جبرا و احسان عباس درباره خودنگاشت سخن گفته و محمد الباردی در «عندما تتکلم الذات- السیره الذاتیّه فی الادب العربی الحدیث» که در 2005 چاپ شد، به موضوع خودنگاشت همت گماشته است.

1-3- ضرورت و اهمیت تحقیق

نویسنده «یومیّات الحزن العادی» فعالیت ادبی خود را با سرودن شعر آغاز نمود و نخستین اشعارش در چهارده سالگی به چاپ رسید. سپس دو مجموعه اشعار «گنجشک‌های بی‌بال» و «برگ‌های زیتون» وی را در زمره ادیبان برجسته فلسطین و جهان قراردادند. او پیش از بدرود حیات، بیش از سی مجموعه شعر به چاپ رساند و شعرهایش میان خوانندگان عرب و غیر عرب چنان شهرت و محبوبیتی یافت که اغلب صاحب‌نظران و اهالی قلم بدان‌ها اعتناء نموده و مقالات بسیاری را در بررسی اشعارش منتشر نمودند.

محمود درویش آثار منثوری نیز دارد که کمتر بدان‌ها توجه شده و «یومیّات الحزن العادی» در شمار آن آثار است. نویسنده در این کتاب، مهارت نگارشش را با استفاده از فنونی آشکار می‌سازد که شایسته بررسی و تحلیل هستند تا دلیل ترجیح این شاعر چیره‌دست و پرآوازه در انتخاب روش خودنگاشت، برای بیان شرح-حالش هویدا گردد.

2- بحث و بررسی یومیّات الحزن العادی

1-2- معرفی کتاب

یومیّات الحزن العادی (روزشمار اندوه) اثر محمود درویش توسط دارالعودة بیروت در 1988 به چاپ رسید. سخن محمود درویش در یومیّات الحزن العادی با مقدمه‌ای منتقدانه درباره سیاست‌های رژیم صهیونیستی در برابر شهروندان عرب تبار فلسطین اشغالی آغاز شده و با شرح دلایل نپذیرفتن آن سیاست‌ها توسط فلسطینیان ساکن مناطق اشغالی ادامه می‌یابد. نویسنده آنگاه، سخنش را با تدارک فرازهایی دارای عنوان ادامه داده و با استفاده از ضمیر دوم‌شخص فردی را به روش انتزاع از خود بیرون کشیده و با وی به سخن

می‌نشیند تا رویدادهایی را که از سر گذرانده، بازگوید؛ اما او گاهی، با ضمیر اول شخص در مقام قهرمان رویداد و زمانی با ضمیر سوم شخص در مقام دانای کل، به روایت سرگذشتش می‌پردازد. به این ترتیب زاویه دید خواننده سرگذشتش را از سه سو گسترش می‌دهد. او در ذکر مکان، پهنه وسیعی را گسترده که شامل شهرها و روستاهای فلسطین اشغالی است و از مناطق مختلفی اعم از خشکی و دریا نام می‌برد؛ اما در بیان رویدادهایی که از سر گذرانده به تعدادی از آن مناطق می‌پردازد. محمود بسا پای از مرز وطن فرا نهاده و جغرافیای خودنگاشت را به کشورهای خاورمیانه کشیده و دامن سخن را تا اروپا می‌گسترده.

نویسنده در بیان حوادثی که از سر گذرانده و یا تلخی آن را در کام فروبرده، ابتدا از «بروه» روستای زادگاهش یاد کرده و به اشغال و نابودی‌اش راه می‌برد و به این وسیله پدیده اشغالگری را رویداد اصلی سرگذشتش قرار داده و سپس به حوادث پیرامونی پرداخته و موضوعات اجتماعی و سیاسی موردنظرش را با مهارتی شگرف تحلیل می‌کند.

او برای تعیین زمان حوادث سرگذشتش، سخن را از مدتی پیش از اعلام موجودیت رژیم صهیونیستی در 1948 آغاز کرده و به جنگ‌های اسرائیل با اعراب در دهه 50 و 60 راه می‌برد و به این ترتیب، چنان که اغلب در روایتش بیان می‌کند، حوادث زمانی را به درازای 20 سال و بلکه بیش از آن مدنظر قرار می‌دهد.

2-2- مضامین خودنگاشت محمود درویش

2-2-1- احساس تعلق به وطن

یکی از رویدادهای تلخ عصر حاضر قضیه تحت‌الحمایه شدن فلسطین پس از جنگ جهانی اول بوده که در پی فروپاشی امپراطوری عثمانی عاید انگلستان گردید (شوفانی، 1998: 362) و آن کشور پس از 1918 طی 20 سال مقدمات یهودی‌سازی فلسطین را فراهم آورد و با تأسیس ادارات صهیونیستی و مهاجرت یهودیان از اقصی نقاط عالم به فلسطین، کشور را تحت اشغال صهیونیست‌ها وانهاد تا آن که کیان صهیونیستی در ماه مه 1948 اعلام موجودیت نمود. (ن.ک: مصالحه، 2001: 10)

این تاریخ مقارن با 7 سالگی نویسنده بوده و او از کودکی ضمن از سر گذراندن ایامی دشوار ناظر اشغال سرزمین خود گردید، از همین رو نخستین پدیده شایع مردمش را بحران هویتی می‌شمرد که در نتیجه تبدیل مشخصات فلسطینی به مشخصات اسرائیلی روی داد و اقلِ قلیل ساکنان فلسطینی که از پاک‌سازی نژادی جان به‌در بردند، ناخواسته تابعیت اسرائیل را پذیرفتند؛ اما پذیرش این تابعیت که بر اساس قهر و غلبه انجام گردید، منابع معیشت فلسطینیان را هر چه محدودتر ساخت و باعث سردرگمی مردمی گردید که کشورشان اشغال شد و منابع تأمین زندگی‌شان به یغما رفت. پس ناگزیر در حلقه تلاش معاش برای حسیض زندگی قرار گرفتند و هویتی ناکارآمد در سرنوشت سیاسی یافتند. باین‌حال نسل دوم فلسطینیان تحت اشغال چندان با کاستی احساس تعلق به آب‌و‌خاک روبرو نشدند، چنان‌که نویسنده می‌گوید: «... کارشناسان اسرائیلی هنگامی که دیدند این نسل جدید، نسلی که تحت اشغال متولد شده، بیشترین احساس را به تعلقات قومی و به نپذیرفتن کیان صهیونیستی دارد، حیرت کردند.» (درویش، 1988: 23)

او در ادامه از اشتیاق به وطن یاد کرده و می‌گوید: «آن رؤیایی در واقعیت و واقعیتی در رؤیاست. ما مشتاق بیابانی متروکه نیستیم؛ بلکه مشتاق بهشتیم. مشتاق تجربیات انسانی در وطنی هستیم که از آن ماست.» (همان: 32) هرچند وی مدینه فاضله و شهری آرمانی را نمی‌جوید؛ بلکه بهشتش وطن اشغال شده است که باید پس گرفته شود، از همین رو می‌گوید:

«فرق میان بهشتِ گمشده در معنای مطلق و بهشتِ گمشده به معنای فلسطینی‌اش عاری بودن از اشتیاق و تعلق روانی و قانونی به منطقه مورد کشمکش است. تا زمانی که کشمکش پابرجاست، بهشت گمشده نیست؛ بلکه اشغال شده و قابل باز پس‌گیری است.» (همان: 33)

یکی از پندارهایی که صهیونیست‌ها بدان دامن زده و دستاویز خود در اشغال فلسطین قرار دادند، آموزه‌هایی است که به نام کتاب مقدس یهودیان منتشر ساختند تا بتوانند پس از تسلط بر فلسطین به کمک قوای قهریه و حذف فیزیکی و از بین بردن هویت مردمی که در آن زادبوم زیسته‌اند، زمینه انکارشان را فراهم آورند. نویسندگان از همین رو می‌گویند:

«زادوولد اشغالگران در سرزمین دیگران، هرگز برای آنان حق ملیت ایجاد نمی‌کند. اما زادوولد ملت‌تی در سرزمین خویش، راز جاودانگی آن ملت و حق مشروعش است. جدایی اجباری از سرزمین‌مان به سبب تبعید، غیر از کامل شدن وضع قهر و غلبه تغییر مهمی در نظام طبیعی اشیاء پدید نیاورده است. کامل شدن معادله تولد هم میسر نمی‌شود، مگر که میان ملت و سرزمین و حقیقت پیوند ایجاد گردد. تولد دشمن اکنون، نتیجه پیوند اشغالگران و شمشیر و تورات است و ما در این وضعیت، از دگرگونی مفاهیم حقیقت بیمناک نیستیم.» (همان: 34)

محمود آنگاه با ذکر خاطراتش از مشکلات زندگی در سرزمین اشغالی به روش ذیل یاد می‌کند:

موانع اداری؛ او از ایام مدرسه‌ای سخن می‌گوید که ثبت‌نامش به سبب قانون اشغالگران میسر نشد.

(ن.ک: همان: 43)

محدودیت تردد؛ نویسندگان از مقررات تردد برای فلسطینیان ساکن مناطق اشغالی یاد کرده و به ترسیم حق پایمال‌شده مردمی می‌پردازد که مایملک‌شان در سیطره رژیم صهیونیستی قرار گرفته است. (ن.ک: همان: 55)

کوچ دادن؛ یکی از عناوین کیان صهیونیستی برای فلسطینیانی که از بیم جان در هنگامه برپایی رژیم صهیونیستی در خارج از کشور بسر می‌بردند، اصطلاح «حاضر غائب» بود و در همین راستا، قانون اشغالگران مقرر نموده بود تا آنان که در درگیری‌های 1948 حضور نداشتند، تن به مهاجرت داده و یا خود را به مرگ بسپارند. (ن.ک: همان: 41)

3-2-2- حضور در مجموعه ملت‌ها

یکی از تلاش‌های سردمداران کیان صهیونیستی تعریف مشکلات فلسطینیان در حدود مسائل داخلی اسرائیل است تا با استفاده از حق شناخته‌شدهٔ سیادت ملت‌ها بر شوون خود، بتوانند از مداخلهٔ کلیهٔ محافل بین‌المللی در محکومیت اقدامات‌شان علیه فلسطینیان جلوگیری کنند و بازگشت آوارگان فلسطینی را به سرزمین‌شان نادیده انگارند. (ن.ک: مصالحه:84) باین حال آن سیاست صهیونیست‌ها به سبب آگاهی تدریجی مردم دنیا و بیداری نرم‌نرم وجدان جهانیان چندان موفق نبوده است. از همین رو نویسنده در بیان مشاهداتش در دهمین جشنوارهٔ جوانان جهان که در برلین برگزار شد، از مراتب اعتناء شرکت‌کنندگان به قضیهٔ فلسطین سخن می‌گوید:

«فلسطین برگاه‌ای در دستی که توسط دوستان به برلین رود، نیست. آن از نظر روحی مستقل است و از درهای اصلی وارد شده و نه از پنجره‌های مرموز، یا که داخل کیف دیپلمات‌ها باشد. این مهم‌ترین پیروزی‌ای است که جنبش ملت مسلح فلسطین تحقق بخشید. حق اگر خود را با نیرو مجهز نکند، گفتگوی ذهنی است. این فرق حالت فلسطین در گردهمایی ورشو و حالت فلسطین در گردهمایی برلین است. ویتنام پرچم را در وجدان ملل تسلیم‌مان کرد. آیا می‌توانیم این بار سنگین را برداریم...» (درویش:203)

4-2-2- حقوق متعارف شهروندی

صهیونیست‌ها بر اساس قوانین دولت فلسطینی تحت حمایت انگلستان پس از جنگ جهانی اول و به مدد قوای قهریه و نیروهای نظامی مناطق وسیعی را در فلسطین به اشغال درآوردند و در نتیجه، مناطق کوچکی مانند؛ کرانهٔ غربی، الجلیل، غزه و اریحا فلسطینی نشین باقی ماندند و مردم آن مناطق ناگزیر، در کشور خود، شناسنامه و مدارک هویت اسرائیلی گرفتند؛ اما آنان بر اساس سخنان نویسنده که خود یکی از فلسطینیان ساکن فلسطین اشغالی بود، از حقوق متعارف شهروندی برخوردار نبودند. از همین رو درویش مراتب نادیده گرفتن حقوق خود و سایر فلسطینیان ساکن اسرائیل را بیان داشته و از توهین و تحقیری که دامنگیرشان

شده، یاد می‌نماید. چنان‌که با اشاره به ناگزیر بودن از سکونت در منزلی اجاره‌ای، از اختلاف نژادی با مالک منزل یاد کرده و دربارهٔ سرگردان ماندنش می‌گوید:

«می‌خواهی آپارتمانی اجاره کنی؟ ستون آگهی‌های روزنامه‌ها را می‌خوانی و به‌سوی تلفن می‌دوی: خانم ... آگهی آپارتمان شما را خواندم، آیا می‌توانم آن را ببینم؟ صدای خنده و خوشحالی‌اش به گوش تو می‌رسد و وجودت از امید مالا مال می‌شود: آپارتمان بی‌نظیری است آقا! در کرم‌ل است. بیایید و فوراً رزروش کنید. یادت می‌رود که بهای مکالمهٔ تلفن را بپردازم و به‌سرعت پیش او می‌روی، آن خانم از تو خوشش می‌آید، با او در مورد شرایط پرداخت و تاریخ تحویل کلید به توافق می‌رسی و زمانی که می‌نشینی تا قرارداد را امضا کنی، برق از سرش می‌پرد: شما عربید؟ عذر می‌خواهم آقا!... فردا تماس بگیرید و حکایت هفته‌ها تکرار می‌شود...» (درویش: 97)

5-2-2- تابعیت فلسطینیان

اساس حکومت صهیونیست‌ها در فلسطین اشغالی بر تهدید و ارعاب و تعقیب اعراب در مناطق اشغالی است. از همین رو بسا شهروندانی که متهم به کاری شده و محکوم می‌گردند. محمود با اشاره به درخواستش برای پاسپورت به‌منظور سفر به خارج از کشور، به محرومیت فلسطینیانی از تابعیت اسرائیل راه‌یافته که در آیام جنگ در فلسطین حضور نداشتند. از همین رو می‌گوید:

«قصه داری به یونان سفر کنی؟ درخواست گذرنامه می‌کنی، درمی‌یابی که شهروند نیستی، چون پدرت و یا یکی از خویشاوندانت، در خلال جنگ فلسطین درحالی‌که تو کودکی بیش نبودی، فرار کردند و درمی‌یابی که هر عربی که کشورش را در آن دوره ترک کرده و سپس پنهانی بدان برگشته از حق تابعیت محروم شده است ... کارت را به خدا و قانون می‌سپاری. موفق به دریافت گواهی‌ای می‌شوی تا ثابت کنی که وجود داری و سرانجام اجازه عبور می‌گیری. اما از کجا عبور کنی؟ تو در حیفا هستی و فرودگاه نزدیک تل‌آویو. از پلیس اجازهٔ عبور را از حیفا به فرودگاه درخواست می‌کنی که رد می‌کند... راه عبورت را تغییر می‌دهی و تصمیم می‌گیری از طریق بندر حیفا سفر کنی، به این اعتبار که حق رسیدن به بندر را داری ... بلیط می‌خری و از

قسمت کنترل گذرنامه، بهداشت و گمرک می‌گذری و کسی سد راحت نمی‌شود. اما نزدیک کشتی دستگیری می‌کنند و تو را به دادگاه می‌فرستند ... در دادگاه باخبر می‌شوی که بندر حیفا بخشی از کشور اسرائیل است و جزئی از شهر حیفا نیست، یادت می‌اندازند که تو بیرون از حیفا، در هر منطقه‌ای از کشور اسرائیل، حضور ممنوع و غیرقانونی است و این بندر - قانوناً - خارج از شهر حیفا است و محکوم می‌شوی ...» (همان: 94)

6-2-2- مصادره موجودیت شهروندان فلسطین

نویسنده از شهروندان بی‌هویت کیان صهیونیستی که درصدد مصادره موجودیت فلسطینیان برآمدند، یاد کرده و به علاقه‌مندی نقاشی اسرائیلی برای حفظ دکوراسیون خانه‌ای فلسطینی که رژیم صهیونیستی پس از راندن صاحبانش در اختیار وی نهاده، اشاره نموده و در سخن با مهاجر یهودی می‌گوید:

«... تو از پناهندگی و آوارگی رهایی یافتی تا طرف دیگر را به کانون همان دایره برانی. معادله این‌گونه متضاد در می‌آید. زمانی که خود را می‌یابی و وجود مرا نادیده می‌گیری و زمانی که به وجودم چنگ می‌زنی، رابطه من و تو به درگیری و کشمکش تبدیل می‌شود. نه از آن رو که من به رهایی‌ات و احتمال شرکت در بودن اعتراض می‌کنم؛ بلکه اعتراض من به هدف برآمده از روشی است که بودند تجربه‌اش می‌کند.» (همان: 61)

7-2-2- کشتار مردم و ویرانی روستاها

نظامیان صهیونیست از 1948 حداقل چهار جنگ معروف را به ترتیب در سال برپایی کیان صهیونیستی، 1956، 1967 و 1973 برپا کردند (مصالحه: 19) و نه تنها به اقتضای جنگ و درگیری، نیروهای بسیاری را از نظامیان عرب از بین بردند؛ بلکه غیرنظامیان فلسطینی فراوانی را به قتل رسانده‌اند. از جمله آن که آنان در اجرای فرمانی دال بر حکومت نظامی، گاهی تمام اعضای یک خانواده را کشتند. در همین راستا، نویسنده به کشتار دیرپاسین اشاره می‌کند که در 1948 صورت پذیرفت و اهالی روستا یا مورد هدف قرار گرفتند و یا

خانه‌ها بر سر ساکنانش ویران گردید. (کناعنه، 1988: 5؛ جرار، 1994: 302) او آنگاه کشتار را در زمره-

ی تفریحات صهیونیست‌ها برشمرده و می‌گوید:

«واقع‌هی دیرپاسین، یک ادّعی عربی نیست. این‌که از ملت‌ی بی‌سلاح بخواهی، بمیرد، مرزگذاری درستی برای مفهوم وطن نیست. این‌که جنگ است و نه مبارزه، این‌یک قتل‌عام است و کسانی که اکنون می‌گویند: فلسطینیان زمین‌های خود را فروختند و ماندن را در وطن خیانت می‌دانند، اینان جنگ را سرگرمی و کوچ را سفر می‌شمرند.» (درویش: 54)

8-2-2- پایداری مردمی در برابر اشغالگری

با نگاهی به خودنگاشت محمود درویش، به قدرت تحلیل نویسنده و شناخت ابعاد گوناگون قضیه اشغال فلسطین راه‌یافته و مردمی‌یابیم که وی در ایفاد مفاهیم مقاومت مبرا از سطحی‌نگری، از اصول و باورهای اعتقادی برخوردار بوده و پایداری را استراتژی موفق در برابر اشغالگران صهیونیست می‌داند. از همین‌رو از تنبیهی یاد می‌کند که در اوان نوجوانی، پس از خواندن شعری حماسی و ضد ظلم و استعمار در جشن سالگرد برپایی کیان صهیونیستی متحمل گردید و سپس به روحیه مقاومت پدرش در برابر از دست دادن حداقل ممری خانواده اشاره می‌نماید. (همان: 45) او آنگاه از مقاومت روستائیان زادگاهش یاد کرده و به انتقام‌جویی صهیونیست‌ها در ویران کردن روستاهایی راه می‌برد که مردمش در برابر اشغالگران پایداری کردند و به گفتگویی با یکی از نظامیان صهیونیست اشاره کرده و می‌گوید:

«... از من پرسید که تاکنون درباره روستایی به نام بروه چیزی شنیده‌ام؟ گفتم: نه، کجاست؟ گفت: آن را روی زمین نخواهی یافت، زیرا منفجرش کردیم و خاکش را از سنگ پالودیم، سپس همه زمین را زیرورو کردیم و زیر درختان پنهان نمودیم. گفتم: برای پوشاندن جنایت؟ تصحیح‌گرانه علت آورد: برای پوشاندن جنایت آن شهر نفرین‌شده. گفتم: جرمش چه بود؟ گفت: در برابر ما مقاومت کرد... با ما جنگید. ما را به خسارت بزرگی دچار کرد، ما را مجبور کرد تا دوباره آنجا را تصرف کنیم. بار اول، شبانگاهان، درحالی‌که

مشغول خوردن شام بودیم، ناگهان کشاورزان آمدند و آن را از ما پس گرفتند. چگونه چنین توهینی را بپذیریم؟» (همان: 37)

او سپس در بیان ارزش مقاومت، سنگ تمام نهاده و از غزه به عنوان نمادی دیگر از پایداری فلسطینیان یاد کرده و مردم خویش را در آن خطه می‌ستاید و می‌گوید: «یگانه ارزش انسان تحت اشغال، میزان مقاومتش در برابر اشغال است. این همان تنها چالش آنجاست و غزه به شناخت این ارزش جان‌فروشی متعالی عادت کرده است...» (همان: 165)

3-2- فنون نگارش خودنگاشت محمود درویش

1-3-2- تاریخ‌نگاری

تاریخ سرگذشت یا سلسله اعمال و رویدادهای قابل‌ذکری است که به ترتیب زمان تنظیم‌شده باشند. متون تاریخی ما را با رخدادهای حیات اجتماعی، سیاسی، مذهبی، علمی و ادبی فرد، جامعه و مردم آشنا می‌کند و میان نسل‌های مسلسل ارتباط معناداری حاکم می‌سازد. (ن.ک: رزمجو، 1374: 231) درویش در روایت سرگذشتش بسا از سال‌های مختلف یاد کرده و در آن تاریخ‌ها، رویدادهایی را خاطرنشان می‌سازد. او در رویکرد به فن تاریخ‌نگاری برشی در عرض سال‌های اشغالگری ایجاد کرده و رویدادهای متناوبی را که سرشت جنگ‌طلبی رژیم صهیونیستی را افشا می‌کند، خاطرنشان می‌سازد. (ن.ک: درویش: 189) نویسنده گاهی در بیان تاریخ رویدادی، تفصیل بیشتری به خرج داده و آماری ارائه می‌دهد. چنان‌که در سابقه حضور یهودیان در فلسطین می‌گوید:

«اسرائیلی‌ها همین‌طور فتوایی حقوقی یافتند که می‌گوید؛ اعراب زمین‌های خود را فروختند. جای تأسف دارد که پوشش‌های مشخصی از عرب‌ها با این پوشش اسرائیلی تلفیق شدند. بی‌آن‌که افراد این پوشش‌های خبری در صدد فهم این باشند که یهودیان تا سال 1948 تنها حدود 6 درصد کل اراضی فلسطین را در اختیار داشتند.» (همان: 42)

نویسنده بسا در بیان رویدادهای گذشته از جزئیات تصمیمات صهیونیست‌ها در حادثه آفرینی یاد می‌کند. چنان‌که در شرح کشتار فلسطینیان در کفرقاسم می‌گوید: «شامگاه حمله سه قوا به مصر در 1956، سرلشگر شدمی سرگرد مالینکی را به مقر فرماندهی‌اش فراخواند و وظایف واحد تحت نفوذش را به وی ابلاغ کرد...» (همان: 111)

قلم درویش سال‌ها را درمی‌نوردد و حوادث را پشت سر می‌نهد تا در بیان سرگذشتش از رویداد دو دهه پس از اشغال و ظلم اسرائیل بر شهروندان فلسطینی یاد کند. از همین رو می‌گوید:

«بعد از بیست سال و پس از سقوط شهرهای عربی بسیار، با دوستم به زبان عبری سخن می‌گفتم، در حالی که نظراتم به مذاق مردی که در رستوران نشسته بود، خوش نیامد. با عذرهایی که به گمانش خاموش‌کننده بود، شروع به دفاع از ظلم اسرائیل نمود...» (همان: 37)

2-3-2- روزنگاری

روزنگار شرح حالی است که نویسنده آن را اغلب با درج تاریخ به قلم تحریر می‌کشد و در آن از رویدادهایی سخن می‌گوید که به سبب کثرت حوادث در معرض فراموشی قرار می‌گیرند. ویژگی اصلی روزنگارها ذکر زمان و مکان رویداد آن‌هاست. درویش در شرح رویدادهایی که در سرگذشتش آورده، گاهی با استفاده از فن روزنگاری وقت‌های معین روزی را ذکر کرده و حادثه‌ای را بیان می‌دارد. چنان‌که درباره ابلاغ تصمیم منع عبور و مرور در 1967 که به کشتار فلسطینیان در کفرقاسم انجامید، می‌گوید:

«همان روز، ساعت چهار و نیم، یعنی تنها نیم ساعت قبل از به اجرا درآمدن منع عبور و مرور، نگهبان مرزبانی دستور منع عبور و مرور را از ابتدای ساعت پنج عصر تا شش صبح [فردا]، به کدخدای روستای کفرقاسم ابلاغ کرد ... بین ساعت پنج و شش عصر، چهل‌وهفت شهروند عرب از روستای کفرقاسم، به دست مرزبانان کشته شدند. هفت پسر و دختر و نه زن میان کشته‌شدگان بودند.» (درویش: 111)

3-3-2- خاطره‌نویسی

خاطره عبارت از کامروایی‌ها و یا ناکامی‌های فرد در تعامل با افراد و محیط پیرامون است که در حافظهٔ میان‌مدت و یا بلندمدت وی جای گرفته و اشخاص به مناسبت‌های گوناگون مایل می‌گردند که خاطرات خویش را بازگو نمایند و یا به قلم تحریر کنند. (ن.ک: داد، 1385: 272) محمود از فن نگارش خاطره در بیان سرگذشتش بهره‌مند شده و در شرح اعمال قوای قهریهٔ رژیم صهیونیستی و مجوز تردد فلسطینیان می‌گوید:

«داستان پیرمرد و الاغ و مجوزش را به یاد می‌آوری. پیرمرد زمین را شخم می‌زد. عبایش را روی درختی آویزان نمود. مجوزش نیز در جیب عبایش بود. ناگاه متوجه شد که خرس از زمینش دور شده و به زمین دیگری وارد شد، به دنبال خرس شتافت، اما پلیس مانعش شد و او را بازداشت کرد، چون بدون مجوز، به زمین دولت وارد گردید. به آنان گفت: مجوز همراه دارم ... آنجا در جیب آن عبایی است که بر شاخهٔ درخت آویزان است؛ ... او را بازداشت و محاکمه کردند.» (درویش: 93)

او سپس دربارهٔ خاطره‌اش از سند مرگی یاد می‌کند که در برابر تلاش معاش به امضاء فلسطینیان ساکن مناطق اشغالی می‌رسید و می‌گوید:

«... و به یاد اجازه‌نامه‌های مرگ می‌افتی که کشاورزان بر طبق آن سندی را امضا می‌کردند که مسئولیت مرگشان را در صورتی که در منطقهٔ مخصوص مانور ارتش مینی منفجر شود، می‌پذیرفتند. این سند دولت را از هر مسئولیتی معاف می‌داشت. اما کشاورزان به درآوردن لقمه نانی می‌اندیشیدند و به مرگ فکر نمی‌کردند. عملاً تعدادی مردند و تعدادی نیز زنده ماندند. دولت عاقبت از زنده و مرده ناامید شد و زمین‌ها را مصادره کرد.» (همان)

4-3-2- گزارش نویسی

گزارش شرح کار یا قضیه‌ای است که با تفصیل و بیان جزئیات و ذکر نتیجه همراه باشد و ویژگی اصلی آن توضیح مطلب است. (التونجی، 1993: 273) محمود در بیان سرگذشتش از فن نگارش گزارش نیز بهره‌ها برده و در اعمال روش گزارش‌نویسی از گزارشاتی یاد می‌کند که در راستای تحریف واقعیت توسط عمال

رژیم صهیونیستی ارائه می‌شود. (ن.ک: درویش:11) او در کاربرد این فن گاهی جزئیات حادثه موردنظرش را با استفاده از فن مصاحبه (بازجویی) بر ملا می‌کند. چنان که می‌گوید:

«وکیل مدافع از سرباز اسرائیلی در مورد کسانی که در کشتار شرکت داشتند، در دادگاه نمایشی بازجویی کرد: آیا درست است که تو در این کشور کار می‌کنی و این کار در سراسر زندگی‌ات به تو این احساس را بخشیده که اعراب دشمنان ما هستند؟ سرباز: بله. وکیل مدافع: آیا درست است که تو همین احساس را نسبت به اعراب داخل اسرائیل و اعراب خارج از آن، در دل داری؟ سرباز: بله. نزد من هیچ تفاوتی وجود ندارد...» (همان:108)

درویش گاهی نیز از روش مصاحبه در گزارش‌نویسی بهره‌مند شده و در ایفاد منظورش از آن استفاده می‌کند. چنان که می‌گوید:

«... از یک عرب در اسرائیل پرسیدم: شما کیستید؟ یکی پاسخ داد: من فلسطینی‌ام، شهروند اسرائیل. دیگری پاسخ داد: من شهروند اسرائیلیم و از نظر نژادی یک عربم. عربی در اسرائیل مانند یک عرب در مصر و سوریه. سومی جواب داد: من یک عرب اسرائیلی هستم و قبل از برپایی این دولت، یک عرب فلسطینی بودم...» (همان:17)

5-3-2- سفرنامه‌نویسی

سفرنامه نوعی گزارش است که نویسنده در آن، مشاهدات خود را از اوضاع شهرها یا سرزمین‌هایی که بدان مسافرت کرده، شرح می‌دهد و اطلاعاتی از موقعیت جغرافیایی، جمعیت، آب‌وهوا، بناهای تاریخی، مساجد، کتابخانه‌ها، بازارها، آداب‌ورسوم ملی و مذهبی مردم، بزرگان، زبان اهالی مناطقی که بازدید نموده، در اختیار خواننده می‌گذارد. (ن.ک: رزمجو: 199) البته او گاهی از تمام عناصر نگارش سفرنامه استفاده نمی‌کند و برخی از عناصر آن را برای ایفاد منظورش به کار می‌گیرد. چنان که درویش در بیان رویدادهایی که در دهمین جشنواره جوانان دنیا اتفاق افتاد، از شرح جزئیات حضورش و حوادثی پیرامونی که برایش اتفاق افتاده، صرف‌نظر می‌کند و مطالبی را اعم از حضور در فرودگاه برلین، گفتگو با افراد گوناگون، مناظر مسیر تا

هتل محل اقامتش در پایتخت آلمان و... چنان که در هر سفری برای افراد اتفاق می‌افتد و به اقتضای سفرنامه‌نویسی قابل ذکر است، بیان نمی‌کند و تنها به بیان احساسات و تحلیلش از استقبال بین‌المللی نسبت به حضور جوانان فلسطین در همایش پرداخته و با خطاب به برلین، به حضورش در آن شهر، اشاره کرده و می‌گوید:

«... برلین! زمان چه بی‌رحم است و زمانی که دستان قوی و آگاه باشد، فرمانبرداری‌اش چه بسیار است. قصائدی که معجزه برخاستن را از میان ویرانه‌ها روایت می‌کند، خسته‌ات کرده است. اما شایسته است ما را درک کنی، زیرا ما نامان را از میان این خرابه‌ها گرفته‌ایم ... در دهمین جشن جوانان جهان ... تجاهل اشغالگران اسرائیلی نسبت به این معنا، درحالی که با اندوه به گردهمایی برلین می‌نگریستند، ما را حیرت‌زده نکرد. وزیر خارجه متظاهرشان تفسیر این پدیده جدید را ساده پنداشت و آن را به خصومت جدید با قوم یهود نسبت داد. به نظر نمی‌رسد که اسرائیلی‌ها از تعقیب وجدان اروپایی در رابطه با خاطراتی که برای قوم یهود رخ داد، دست بردارند ... این همان معنای دگرگونی تدریجی در نگاه بخش‌های بزرگی از جوانان جهان نسبت به مسئله فلسطین است که نخستین موضوع در گردهمایی برلین بود...» (درویش: 201-200)

6-3-2- داستان پردازی

داستان نقل واقعه‌ای است که به نحوی تابع توالی زمان باشد. (میرصادقی، 1376: 212) از همین رو با آنکه نگارش سرگذشت به سبب مشارکت عناصر، در نظر برخی از صاحب‌نظران، مانند داستان‌نویسی است، اما خودنگاشت به جهت ذکر نامرتب حوادثی تهی از عنصر خیال، بنا به اهمیتی که نویسنده بدان‌ها می‌دهد، با داستان‌نویسی متفاوت است. افزون بر آن که نویسنده خودنگاشت می‌تواند برای ارائه تفسیر موردنظرش از حادثه‌ای که از سر گذرانده، از روایت داستان بهره‌مند شود. محمود نیز در بیان سرگذشتش، گاهی داستان‌هایی را ذکر می‌کند. او به تعامل خود با پدر بزرگ در ایام کودکی راه برده و از گوش سپردن به داستان‌هایی که او برایش می‌خواند، یاد می‌کند (درویش: 43)؛ اما گاهی برای ایفاد مقصودش داستانی را به‌طور کامل بیان می‌نماید:

«حکایت داستان در یکی از بستان‌های کرن کایمت می‌چرخد که گروهی از یهودیان خارج از اسرائیل بر آن سرمایه‌گذاری می‌کنند. این بستان بر خرابه‌های روستایی عربی احداث شده است. قهرمان داستان دانشجویی اسرائیلی است که نامی ندارد. او در جستجوی اقامتگاهی خلوت است تا بتواند پایان‌نامه‌اش را دربارهٔ جنگ‌های صلیبی بنویسد...» (همان: 67)

باین حال نویسنده روش کاربرد داستان را در بیان سرگذشتش ارتقاء داده و رویداد کشتار فلسطینیان را در کفرقاسم به روش داستان واقعی که از انواع داستان‌نویسی معاصر است، بیان کرده و می‌گوید:

«صالح خلیل عیسی یکی از کسانی که از این کشتار، به‌طور معجزه‌آسایی نجات یافت، ده سال پس از کشتاری که عطش اسرائیلی‌ها را به خون عربی سیراب کرد، گواهی‌اش را بر آن کشتار جمعی برای توفیق زیاد شاعر روایت می‌کند: همان روز با دو تن از پسرعموهایم در کشتزار کار می‌کردم. کارمان کمی پس از ساعت چهار به پایان رسید. برای بازگشت به روستا، سوار دوچرخه‌هایمان شدیم. در راه با کارگران دیگری روبرو شدیم، به ما گفتند که در روستا منع عبور و مرور و تیراندازی است و کسی نمی‌داند برای چه. این‌طور شنیده بودند. به‌اجبار، تصمیم گرفتیم به راه ادامه دهیم...» (همان: 115-112)

7-3-2- کاربرد فن گفتگو و تک‌گویی

گفتگو عملی دوجانبه است که نویسنده آن را به‌منظور تصویرگری کامل حادثه به کار می‌گیرد و دامن سخن را با آن می‌گسترده. او با این روش می‌تواند دربارهٔ سرشت و افکار و خصوصیات اخلاقی و رفتاری و حتی ویژگی‌های جسمی افراد سخن گوید و یا محل حادثه را از مکانی به مکان دیگر بکشاند و خواننده را حرکت داده و بر قدرت انتقال او بیفزاید. اما نویسنده گاهی شخصیتی را به روش انتزاعی از راوی بیرون می‌-

کشد تا با تک‌گویی وی، خواننده را نسبت به موضوعی آگاه کند. (روشنفکر، 1393ش: 62)

درویش گفتگویی را با صهیونیستی روایت کرده و آن را با تک‌گویی به پایان رسانده و می‌گوید:

«- خیال‌پردازان .. ای اعراب خیالی.»

- برای چه؟

- زیرا شما زمان را به رسمیت نمی‌شناسید.

- چه منظوری دارید؟

- 19 سال گذشت و شما خواستار خیال‌های باطل هستید.

- صداقت خیال را از شما آموختیم.

- منظورت چیست؟

- 2000 سال گذشت و شما اوهام را می‌طلبید...» (درویش: 134-135)

8-3-2- کاربرد فن توصیف

توصیف عبارت از بیان جزئیاتی است که مخاطب را موفق به دریافت تصویری ذهنی می‌سازد و او توانایی می‌یابد، فردی را از دیگری، چیزی را از چیز دیگر، منظره‌ای را از منظره دیگر و... تشخیص دهد. (ن.ک: محفوظ، 2009: 14) درویش در بیان سرگذشت خود بارها از فن توصیف بهره برده و آن را ضمن سایر فنون به کار گرفته تا به کمکش، جزئیات تصویری را که در نظر دارد، به خواننده ارائه نماید. چنان که در ترسیم اولین دیدار از روستایش «بروه» پس از سفر به لبنان می‌گوید:

«بروه در مسیر دیرالاسد تا عکا بر فراز تپه‌ای قرار دارد. تابلویی که نامی دیگر بر آن نوشته باشد، رهنمونم نکرد. تنها درخت خرنوب تنومندی که سال‌ها پیش، هنگام جستجوی مادرم، از کنارش عبور کرده بودم، مرا راهنمایی نمود و نیز تپش‌های قلبم که سرشار از اشک و اشتیاق بود.» (درویش: 39)

او در بیان مدارای مادر با دشواری‌های زندگی روزانه به جزئیاتی در وصفش راه برده و می‌گوید:

«آب چشمه دهکده کم بود و ما پولی نداشتیم تا چاه اجاره کنیم. پناهندگان در کشور خود و در کشور بیگانه نفرین شده‌اند. هیچ‌کس جز آسمان زمستان به ما آب مجانی نمی‌داد. مادرم نیمی از روز در انتظار پر شدن کوزه‌ای از آب چشمه‌ای سپری می‌کرد که قطراتی از تنگ‌چشمی می‌بخشید. او زیبا ولی سنگدل بود. در خانه هراس می‌پراکند. هنگام تنهایی بی‌علت و پیوسته گریه می‌کرد و خواهر کوچکم را با لالایی سوزناکی که سرشار از مضامین تیره‌بختی و چیزهای از دست‌رفته بود، تکان می‌داد. گویی که نی‌لبکی ابتدایی بود.

هیچ‌گاه به عروسی‌های روستا نمی‌رفت، اما نخستین کسی بود که به تدفین جنازه‌ای در روستا و روستاهای نزدیک می‌رفت. توانایی شادمانی نداشت، برعکس در گریستن توانمند و درعین‌حال در مسخره کردن چیره‌دست بود.» (همان: 45)

3- نتیجه‌گیری

از آنجاکه خودنگاشتِ ادیبِ حائزِ رویدادی است که نویسنده از سر گذرانده، می‌توان شباهتی میان عناصر خودنگاشت و داستان‌نویسی مشاهده کرد، از آنجاکه خودنگاشت‌ها نیز، زاویه دید، زمان، مکان و شخصیت‌هایی دارند که در شرح رویداد زندگی نویسنده به کار می‌آیند. در همین راستا، می‌توان در ذکر عناصر روایی خودنگاشت محمود درویش به موارد ذیل اشاره کرد:

نویسنده در روایت سرگذشتش اغلب از ضمیر دوم‌شخص بهره گرفته، اما کاربرد ضمیر اول‌شخص و سوم‌شخص نیز به‌تناوب در روایتش دیده می‌شود. او شرح رویدادها را از درون فلسطین اشغالی شروع کرده و دامن سخن را تا آن‌سوی مرزهای کشور کشانده است. درویش در تعیین زمان رویدادها، دو نوع زمان‌بندی به‌کاربرده است. او یک‌بار، تاریخ معین سال و ماه حوادث را ذکر کرده و بار دیگر، نگاهی کلان به حوادث یک دوره می‌افکند و حتی در روند ذکر رویدادها، شکستی تاریخی ایجاد می‌کند تا از بیان تکراری سرگذشت محنت‌بارش اجتناب کند. پس سخنش بیست سال ناگفته را پشت سر می‌نهد تا روایت را از سرگیرد. او حادثه اصلی خودنگاشتش را در رویکرد به ترسیم قهر و غلبه ظالمانه و نامشروع حاکم بیان کرده است. افزون بر آن خودنگاشت درویش در مقام شرح حال زندگی وی، حائز فنونی است که نویسنده به شرح ذیل از آن‌ها بهره‌مند شده است:

نویسنده اغلب رویدادهایی را که از سر گذرانده و یا ذکرش را برای ایفاد مقصود مناسب یافته، با تاریخ معین حادثه روایت کرده است. وی در بیان حادثه تلخ کشتار فلسطینیان در کفرقاسم با استفاده از فن روزنگاری، به شرح آن رویداد، در ساعات مختلف روز منع عبور و مرور فلسطینیان می‌پردازد و از فن خاطره-

نویسی بهره‌مند شده و فراز و نشیب حوادث را از زیربوم خاطرات بیرون می‌کشد و بدان می‌پردازد. البته خاطره در خودنگاشت وی ارزشمندتر از ذکر حوادث دور و نزدیکی است که خاطرش را رنجور ساخته است. خاطره‌های فلسطینیان و حفظ و یادآوری آن‌ها در طول خودنگاشت محمود بسان رسالتی مردمی ظاهر گشته و باعث حفظ هویت ملی فلسطینیان گردیده و عاملی شده که توانایی تهدید کیان صهیونیستی را دارد. نویسنده از فن گزارش‌نویسی در بیان رویدادهای سرگذشتش بهره‌مند شده و با روش مصاحبه به گفتگو با سایر افراد راه برده و از تک‌گویی استفاده کرده است. وی از گزارش‌نویسی و روش مصاحبه در روایت بازجویی‌ها استفاده کرده و بدین‌وسیله اطلاعات بیشتری درباره‌ی شیوه‌ی برخورد قوای قهریه و ادبیات کلامی آنان در اختیار خواننده‌ی اثرش قرار داده است.

محمود از فن داستان‌پردازی در ایفاد مقصود بهره‌مند شده، ولی در داستان‌سرایی قلم‌فرسایی نکرده؛ بلکه یک‌بار، راوی داستانی است که دیگری آن را نوشته و بار دیگر، حادثه‌ای را حکایت می‌کند که عناصر داستان واقعی را دارد و در گروه آن داستان‌ها قرار می‌گیرد. او از فن توصیف در بیان جزئیات موضوعات موردنظرش استفاده کرده تا با ترسیم نسبی فضایی که در آن قرار گرفت، خواننده را برای تحلیلی که ارائه می‌دهد، آماده نماید. وی در بیان سرگذشتش از فن سفرنامه بهره‌مند شده و از سفرش به برلین برای شرکت در دهمین همایش جوانان دنیا یاد می‌کند. ولی در سفرنامه‌اش از ذکر مشاهدات و مناظر جالب توجه سفر منصرف شده و بدون کاربرد تمام عناصر نگارش سفرنامه، در مقام تحلیل‌گری سیاسی موضوعاتی را شرح می‌دهد که محل اعتناء آن همایش قرار گرفته و به‌طور مستقیم با قضیه‌ی اشغال کشورش ارتباط می‌یابد. در مجموع این اثر ارزنده نشانگر کاربرد فنونی از جمله؛ تاریخ‌نگاری، روزنگاری، خاطره‌نویسی، گزارش‌نویسی، داستان‌پردازی، گفتگو، تک‌گویی و توصیف است که نویسنده از آن‌ها بهره‌مند شده و با توجه به توسعه‌ی کلام در شرح رویدادهای زندگی‌اش خودنگاشتی اجتماعی – سیاسی برجای نهاده است.

فهرست منابع

- التونجی، محمد. **المعجم المفصل فی الادب**. بیروت: دارالکتب العلمیه. 1993.
- جرار، حسنی ادهم. **نکبه فلسطین**. عمان: دارالفرقان. 1995.
- داد، سیما. **فرهنگ اصطلاحات ادبی**. چاپ سوم. تهران: مروارید. 1385.
- درویش، محمود. **یومیّات الحزن العادی**. چاپ پنجم. بیروت: دارالعوده. 1988.
- رزمجو، حسین. **انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی**. چاپ سوم. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی. 1374.
- رستگار فسایی، منصور. **انواع نثر فارسی**. چاپ اول. تهران: سمت. 1380.
- روشنفکر، اکرم. **زن در ادبیات داستانی لبنان**. رشت: کتیبه گیل. 1393.
- شمیسا، سیروس. **انواع ادبی**. چاپ چهارم. تهران: فردوسی. 1375.
- شوفانی، الیاس. **الموجز فی تاریخ فلسطین السیاسی**. بیروت: مؤسسه الدراسات الفلسطینیة. 1998.
- عبدالنور، جبور. **المعجم الأدبی**. چاپ اول. بیروت: دار العلم للملایین. 1979.
- کناعنه، شریف. **القری الفلسطینیة المدمره**. مغرب: المنظمه الاسلامیه للتربیه و العلوم و الثقافه. 1988.
- محفوظ، عبداللطیف. **وظیفه الوصف فی الروایه**. بیروت: الدار العربیة للعلوم ناشرون. 2009.

- مصالحه، نورالدین. اسرائیل الكبرى و الفلسطینیون. بیروت: مؤسسه الدراسات الفلسطینیة.

2001.

- میرصادقی، جمال. عناصر داستان. تهران: علمی. 1376.